

عنوان مقاله:

مطالعه فراهم سازی های یادگیری کودکان در محیط های شهری و روستایی شهرستان های مشهد و شیروان

محل انتشار:

فصلنامه فناوری آموزش، دوره 15، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

اسماعیل ضرغامی - گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی تهران، ایران

سیدمحمد بهروز - گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی تهران، ایران

خلاصه مقاله:

پیشینه و اهداف: چشم اندازه های علمی میان رشته ای یادگیری را به مثابه بخشی از فرایند شکل دادن به فیزیولوژی، ریخت شناسی و رفتار فرد در محدوده ی مرزهای ذات زیستی ارگانیزم، برای تطبیق یافتن با محیط تعریف کردند. که برای کودکان جوامع پیش از مدرن به واسطه بازی، کاوش و مشارکت در زمینه های بامعنای اجتماعی، در طول دوره مدید پیش از بلوغ رخ می داده است. این نوع یادگیری موقعیت مند در جوامع مدرن کم رنگ شده است و جای خود را به نظام رسمی آموزش داده است. در گذشته، کودکان اکثر اوقات فراغت خود را در فضای باز می گذراندند؛ که این زمان صرف فعالیت هایی در فضاهای غیررسمی، بدون مدیریت و به تعبیری بی ساختار می شد. این فضاها در زندگی اجدادی (پیش از برآمدن کشاورزی و یکجانشینی) طبیعت اجدادی و پس از آن محیط محله بود، که جایگاه مهمی برای بازی کودکان در طول تاریخ و در اکناف جهان بوده است. با این حال، کودکان امروز اغلب ساعات فراغت خود را در فضاهای بسته، و بیشتر زمان فضای باز خود را به فعالیت های زمان بندی شده و ساختارمند می گذرانند. این روال به مشکلات جسمی و عاطفی از جمله بی تناسبی اندام، دیابت نوع ۲، چاقی و حس تنهایی دامن زده است. رشد سیم کشی عصبی مغز در نخستین سالهای کودکی از طریق حرکت و تحریک رخ می دهد، که نشان دهنده اهمیت تجربیات، فعالیتها و تعاملات روزمره کودکان برای رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و هیجانی آنها است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی میزان فرصتهای یادگیری طبیعی کودکان در محیط هایی با درجات متفاوت شهری شدن استروم ها: با استفاده از مفهوم فراهم سازی گیبسون و با استفاده از طبقه بندی فراهم سازی های هفت-کیتا بر مبنای پرسشنامه هایی برای کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله ها در محیط هایی شامل مناطق کلانشهری، شهری، روستا-شهری و روستایی در دو شهرستان مشهد و شیروان در سال ۱۳۹۷ بررسی و تحلیل واریانس شد. یافته ها: تفاوت های معناداری بین محلات موردبررسی به لحاظ دسترسی به فراهم سازی ها و میزان به فعلیت رسیدن آنها، در توزیع درون مقولات طبقه بندی، و همچنین محل فراهم سازی ها مشاهده شد. نتیجه گیری: یادگیری طبیعی و روزمره ی کودکان به واسطه ی فراهم سازی های محیطی رخ می دهد. در محیط های تاریخ گذشته بشر، کودکان آزادی زیادی برای استفاده از عناصر و عوارض طبیعی موجود داشتند، در حالی که تنیده در روابط روزمره ی اجتماعی و کاری محله ی خود بودند؛ حال آنکه در محیط های شهری شده ی امروز هم آزادی کودکان کاسته شده، و هم آن عناصر و عوارض طبیعی از دسترس دور شده اند (یا به تعبیری با دقت از محیط زندگی روزمره حذف شده اند)، و محیط تعاملات اجتماعی و کاری از محل سکونت آنها فاصله گرفته است. نتایج این مطالعه گواه شدت این سه اتفاق به خصوص در محیط های کلانشهری بود. این کاهش و فقدان به خصوص برای مواد وزز دادنی، اشیاء دست گرفتنی منفصل، سطوح و عوارض سرخوردنی، بالارفتنی، آویزان شدنی، و عوارض با تغییر ارتفاع مشهود بود. بر اساس یافته ها و تفسیر آنها، دسترسی به فضاهای «به هم ریخته»، دسترسی به عوارض و عناصر متنوع ثابت فضایی، و عناصر و اشیاء منفصل می توان ...

کلمات کلیدی:

یادگیری موقعیت مند، فراهم سازی ها، فضای باز، کودکان، شهری شدن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1291889>



